

بنمایه‌های مشترک تعلیمی در سروده‌های کودکانه محمود کیانوش و صالح هواری عزت ملاابراهیمی*

استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

سمیه آخوندبابا**

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۰۲، تاریخ تصویب: ۹۸/۰۸/۰۳، تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۹۹)

چکیده

ادبیات کودکان با گرایش تعلیمی و آموزشی به‌عنوان ابزاری کارآمد در جهت رشد فکری، اخلاقی و فرهنگی کودکان به‌شمار می‌رود و موجبات شناخت آن‌ها از جامعه و محیط اطراف خود را فراهم می‌آورد. با توجه به نقش سازنده ادبیات کودکانه، نگارندگان در این جستار به بررسی تطبیقی مؤلفه‌های تعلیمی در اشعار محمود کیانوش و صالح هواری، دو شاعر معاصر ایرانی و فلسطینی پرداخته‌اند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مبانی مکتب تطبیقی آمریکایی، تدوین شده است. از براین پژوهش چنین استنباط می‌شود که به‌رغم تفاوت‌های آشکار در ساختار اشعار کودکانه این دو شاعر، هر دو با بکارگیری زبانی آسان و روان، درک مضامین تعلیمی و آموزشی را برای نوباوگان میسر می‌سازند و ضمن ارضای نیازهای عاطفی کودکان، اعتماد به‌نفس آن‌ها را تقویت می‌کنند. آشنا کردن خردسالان با آموزه‌های دینی چون آموزش خداشناسی، درک مفاهیم اخلاقی چون صداقت و راستگویی، شناخت مؤلفه‌های فرهنگ ملی و عامیانه، گسترش و بهبود روابط اجتماعی و نیز برانگیختن حس وطن دوستی در میان نوباوگان، از دیگر رسالت‌های دو شاعر در سروده‌های کودکانه بوده است.

واژگان کلیدی: ادبیات کودکان، مؤلفه‌های تعلیمی، محمود کیانوش، صالح هواری، مضامین فرهنگی.

* Email: ebrahim@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

** Email: s.ababa22@gmail.com

مقدمه

امروزه ادبیات کودکان به صورت پدیده‌ای جدی و مستقل شناخته می‌شود که همواره در مسیر تحول، نوآوری و پیشرفت قرار دارد و نظریه‌های نقدی این گونه ادبی، شاخه‌ای پویا در پژوهش‌های دانشگاهی به شمار می‌رود. در تعریف ادبیات کودکان می‌توان گفت که مشتمل بر مجموعه نوشته‌هایی است که برای استفاده خردسالان جامعه فراهم می‌آید. چه، نوباوگان در این ایام استعداد و آمادگی بیشتری برای پذیرش علم، ادب و اخلاق دارند و نیازمند مهر، لطف و نوازش اطرافیانند. در واقع نونهالان به منزله غنچه‌های نوشکفته‌اند که نیاز مبرمی به مراقبت و تربیتی شایسته دارد تا بتوانند در مسیر رشد و بالندگی گام بردارند. از سوی دیگر کودکان از همان اوان کودکی تمایل فراوانی به شنیدن نغمه‌ها و ترانه‌های آهنگین دارند. چه، گوش آنان از روز نخست زندگی با آواز لالایی پر مهر مادر آشنایی دارد. افزون بر آن دوره کودکی بهترین سن فراگیری و آموزش مفاهیم اساسی زندگی است. از این رو «ادبیات کودکانه باید از جنبه عالی تعلیمی و آموزشی برخوردار باشد تا روند عبرت‌آموزی، پندگیری و اندرزشنوی کودک را تسهیل بخشد» (حکیمی، ۱۳۸۳، ۳۴).

در این سروده‌ها، حس و حال کودکانه حاکم است، باعث مسرت خاطر، وسعت تخیل و قوت تصور او می‌شود و نیروی ابتکار و ابداعش را فزونی می‌بخشد. بدیهی است ترانه‌هایی که کودکان می‌خوانند و می‌شنوند، «تأثیر عمیقی در فکر و روحیه آنان می‌گذارد، ایشان را برای رویارویی با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می‌سازد و در درک و فهم مشکلات زندگی آنان را یاری می‌کند» (ایمن، بی تا، ۳). نوباوگان از این طریق به بسیاری از ارزش‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی چون پایداری، شجاعت، نوع دوستی و غیره پی می‌برند. نکته مهم آن است که شعر کودکانه باید با روح مخاطب خود ارتباط برقرار کند و شاعر کودک‌سرا بایستی از چنان مهارتی برخوردار باشد که بتواند اندرزهای تعلیمی را در قالب ساختار خاص کودکانه بگنجاند. همچنین باید در کاربرست صحیح مبانی این ادبیات مانند خیال، موسیقی و تصویر که ارتباط عمیقی با حقیقت و ماهیت دنیای کودکی دارد، دقت نظر داشته باشد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر در صدد است تا بنمایه تعلیمی مشترک در اشعار این دو شاعر را بر اساس نظریه مکتب آمریکایی و با بهره‌گیری از شیوه تحلیلی - توصیفی تبیین نماید. ناگفته پیداست که مکتب آمریکایی نسبت به مکتب فرانسوی گسترده‌تر، علمی‌تر و جهان شمول‌تر است. در این مکتب، معیار تطبیق دو اثر، ملیت و فرهنگ است، نه صرفاً زبان.

ضرورت ارتباط تاریخی در مکتب آمریکایی پذیرفته نیست. بر این اساس، پژوهشگر ادبیات تطبیقی به دنبال ارتباط تاریخی نیست، بلکه تاریخ تکیه‌گاه اوست. بدیهی است که بین گرایش تاریخی و تکیه‌کردن بر پژوهش‌های تاریخی برای رسیدن به نتیجه بهتر، تفاوت وجود دارد. چه، ادبیات، واقعیتی فراملیتی است و باید آن را ورای سیاست، زبان و قومیت دانست. در این صورت «یافتن وجوه مشترک میان دو ادبیات قدری آسان می‌نماید، چون همراه با پیدا کردن واسطه‌های ادبی، وجوه تمایز و تشابه بین آن‌ها روشن می‌شود، ولی مکتب فرانسه به این پرسش مهم پاسخ نداده است که اگر میان دو ادب هم‌مانندی پیدا شود که هیچ‌گونه رابطه تاریخی با یکدیگر نداشته باشند، این تشابه را چگونه باید ارزیابی کرد و جایگاه چنین مواردی در پژوهش‌های تطبیقی کجاست» (جمال‌الدین، ۱۳۸۹، ۲۰).

مکتب آمریکایی، با تأکید بر ارزش هنر در کنار ادبیات؛ به‌عنوان مقوله‌ای انسانی و زیباشناختی، هر دو آن‌ها را با همه زیرشاخه‌های خود، کاری انسانی می‌داند و تاریخ، سرزمین، زمین، نژاد، شرایط اجتماعی و خلاصه عوامل خارجی را از گستره نقد و بررسی خارج می‌کند. پیشروان این مکتب معتقدند که «اثر ادبی مانند یک تابلو نقاشی است که پدیدآورنده آن مهم نیست؛ بلکه تنها زیبایی خود اثر، مهم به‌نظر می‌رسد» (محمود غیلان، ۲۰۰۶، ۵۰). در هر حال داشتن بنمایه‌های مشترک تعلیمی در اشعار کودکان محمود کیانوش و صالح هواری سبب این بررسی تطبیقی شده است. نگارندگان در این جستار که با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مبانی مکتب تطبیقی آمریکایی تدوین شده، کوشیده‌اند تا به‌مقایسه محتوای اشعار کودکان این دو شاعر بپردازند و از بنمایه‌های مشترک تعلیمی آنان از قبیل آشنایی با ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی سخن به‌میان آورند.

پرسش پژوهش: این پژوهش در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱- محمود کیانوش و صالح هواری در سروده‌های خود چه بنمایه‌های مشترک تعلیمی را دنبال کرده‌اند؟

۲- چه نقاط افتراقی در سروده‌های آن دو یافت می‌شود و ریشه‌های فکری و اجتماعی آن‌ها چه بوده است؟

فرضیه پژوهش بر این امر استوار است که بنمایه‌های مشترک تعلیمی بیشماری در سروده‌های این دو شاعر می‌توان یافت، اما در گاهی به‌لحاظ بافت‌های مختلف اجتماعی و سیاسی که دو شاعر در آن زیسته‌اند، نگرش و کارکرد متفاوتی در شیوه آموزش کودکان داشته‌اند.

پیشینه پژوهش: بر اساس جستجوی نگارندگان، تاکنون پژوهش‌هایی درباره شعر کودکانه محمود کیانوش و صالح هواری تدوین شده است که بدین قرارند:

علی ارمغان (۱۳۸۲)، «بررسی صور خیال در شعر کودک و نوجوان ایران» در بخشی از این پایان‌نامه کارشناسی ارشد به تحلیل صور خیال در اشعار پروین دولت‌آبادی و محمود کیانوش پرداخته شده است.

محمد عبدالمجید (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی شعر کودک در ایران و سوریه با تکیه بر آثار محمود کیانوش و سلیمان عیسی»، نویسنده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در صدد برآمده است تا با مقایسه شعر کودک دو شاعر فارسی و عربی، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را مشخص کند و به بررسی این اشعار بپردازد.

یحیی علوی‌فرد (۱۳۹۰)، «بررسی سبک‌شناختی شعر کودک در ایران»، نگارنده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود جنبه‌های گوناگون سبک‌شناسی را در آثار شاعرانی چون محمود کیانوش، مصطفی رحماندوست، ناصر کشاورز و... واکاوی و بررسی کرده است.

زهره سرخی‌زاده (۱۳۹۵)، «بررسی و تطبیق صور خیال در اشعار کودکانه محمود کیانوش و سلیمان عیسی»، نویسنده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود انواع صور خیال مانند تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه را در سروده‌های کودکانه این دو شاعر بیان می‌کند.

رامین محرمی و دیگران (۱۳۹۶)، «بررسی مضامین دو مجموعه شعر کوکانه محمود کیانوش با رویکرد مخاطب‌شناسی» که دو مجموعه شعر کودکانه طوطی سبز هندی و بچه‌های جهان این شاعر را با توجه به گروه سنی کودکان و رشد ذهنی آن‌ها مورد مطالعه قرار داده‌اند.

عباس صیادی دریاکنار (۱۳۹۶) در مقاله «زیبایی‌شناسی تشبیه، استعاره، کنایه و ایهام در ادبیات کودک با محوریت اشعار محمود کیانوش»، از آرایه‌های ادبی سروده‌های این شاعر سخن گفته است.

عزت ملاابراهیمی و منال فلاح (۱۳۹۷)، کتاب *أدب الطفل الفلستانی: دراسة لأشکاله و أنماطه*، را به بررسی سیر تحول ادبیات کودکانه فلسطین، پس از جنگ شش روزه اختصاص داده‌اند و به بررسی مضمونی و ساختاری داستان‌ها و سروده‌های کودکانه فلسطینی از جمله غسان کفانی، محمود شقیر، صالح هواری و... پرداخته‌اند.

پیمان‌ه اسماعیلی و اصغر رضاپوریان (۱۳۹۸) در مقاله «موسیقی کناری در شعر کودک (مطالعه موردی قافیه‌های فقیر و غنی در شعر محمود کیانوش)»، انواع قافیه‌ها و موسیقی شعر کیانوش را تبیین کرده‌اند.

احمد السید محمد ابوالجود (۲۰۱۹) در مقاله «استنطاق الجمادات فی شعر الأطفال عند محمود کیانوش من خلال المجموعه الشعریه زبان چیزها»، از جان بخشی اشیا در مجموعه شعری "زبان چیزها" سخن گفته و بیان کرده است که شاعر چگونه با انسانوارگی اشیا بی جان شور و نشاط در کودک ایجاد می کند و از زبان جمادات در راستای آموزش مفاهیم اخلاقی و تربیتی به مخاطب خود بهره می گیرد.

محمود کیانوش: وی شاعر، پژوهشگر و نویسنده معاصر است که در سال ۱۳۱۳ش در مشهد متولد شد. دوره آموزش ابتدایی را در زادگاهش سپری کرد و آموزش متوسطه را در تهران به پایان رساند. آنگاه به دانشسرای مقدماتی رفت و بعد از تحصیل به آموزگاری پرداخت. نوشتن داستان کودکانه را از دوره دبیرستان آغاز کرد که بعدها برخی از آثار او برنده جایزه اول داستان نویسی در سراسر ایران شد. وی چندین مجموعه داستانی و شعری در این گستره منتشر کرده است (عبدالمجید، ۱۳۹۰، ۷۷). کیانوش از پیشگامان شعر کودک در ایران به شمار می رود. اشعار وی، افزون بر سادگی ساختار و روانی جملات، دارای مضامینی متناسب با جهان بینی مخاطب است. مجموعه اشعار کودک و نوجوان او عبارتند از: زبان چیزها، باغ ستاره ها، بچه های جهان، طوطی سبز هندی، طاق هفت رنگ، آفتاب خانه ما، نوک طلای نقره بال. داستان های کودکان و نوجوانان او نیز عبارتند از: آدم یا روباه، دهکده نو، از بالای پله چهلم، از کیکاووس تا کیخسرو.

صالح هواری: شاعر فلسطینی است که در سال ۱۹۳۸م در روستای صمخ از توابع طبریه زاده شد. وی دارنده مدرک تحصیلی لیسانس ادبیات عرب و لیسانس حقوق از دانشگاه دمشق است. او چند سال به عنوان آموزگار زبان عربی در مدارس تحت پوشش آژانس بین المللی اونروا به تدریس پرداخت. افزون بر آن تهیه کنندگی برنامه های آموزشی ویژه دانش آموزان عرب در سرزمین های اشغالی فلسطین را بر عهده داشت. هواری عضو اتحادیه نویسندگان عرب و نیز عضو کانون نویسندگان و روزنامه نگاران فلسطینی است و هم اکنون در سوریه به سر می برد (ملابراهیمی و فلاح، ۱۳۹۷، ۹۶-۹۷). از صالح هواری دیوان های متعددی بر جای مانده است که برخی از آنها به کودکان اختصاص دارد. مجموعه های شعری کودکانه او بدین قرارند: سلّه الأغانی، قتلوا الحمام، عصافیر بلادی، هدیل الحمام، هنادی.

نمایه های مشترک تعلیمی در سروده های دو شاعر:

محمود کیانوش و صالح هواری با هدف تعلیم مبانی مختلف دینی و اجتماعی از جمله مفاهیم خداشناسی، آموزه های اخلاقی، ارزش های وطن دوستی، حفظ هویت ملی و فرهنگی، پایداری

به‌آداب و رسوم اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، تشویق به‌علم آموزی و ارزش کار و تلاش، کوشیده‌اند تا نوباوگان جامعه خود را برای شناختن مفاهیم والای معنوی از یک سو و تعامل شایسته با محیط اطراف خود از سوی دیگر آماده سازند. در واقع آن دو با سروده‌های خویش راه‌های مواجهه با مسائل گوناگون زندگی را به‌کودک نشان می‌دهند و قدرت تحلیل، تفکر، بینش و تجربه او را وسعت می‌بخشند که در این جستار به‌تیین آموزه‌های تعلیمی شعر آن دو پرداخته شده است.

۱- تعلیم مفاهیم خداشناسی

یکی از کارکردهای ادبیات، فراهم کردن شرایط تجربه‌های معنوی، معرفتی و دینی برای مخاطب کودک و نوجوان بر اساس نیازهای آنان و نیز نشان‌دادن راه‌های خداشناسی به‌نوباوگان از طریق خویش‌شناسی و جهان‌شناسی (طبیعت، حیوانات، انسان‌های دیگر، محیط اطراف و...) است که مهمترین بخش ادب تعلیمی به‌شمار می‌رود. محمود کیانوش و صالح هواری هر دو با اتخاذ روش‌های متفاوتی، مفاهیم دینی را به‌نونهالان القای می‌کنند. دعا کردن، سخن‌گفتن با خدا، یادآوری نعمت‌های بیشمار پروردگار؛ مانند جلوه‌های طبیعت، جهان هستی، نعمت وجود پدر و مادر، برخورداری از سلامت و به‌جا آوردن شکر این نعمت‌ها از جمله مواردی است که احساس خداشناسی را به‌کودکان القا می‌کند و او را به‌شناخت درستی از خود، خدای متعال و جهان هستی سوق می‌دهد.

صالح هواری در قصیده‌ای با الهام از طبیعت و زیبایی‌های آن به‌عنوان نشانه و نعمت الهی، مفهوم خداشناسی را به‌کودک می‌آموزد و به‌گونه‌ای او را به‌تفکر وامی‌دارد (۲۰۱۱، ۷۵):

أنظر عناید العنب مثل الثریات
سنابل القمح ذهب تغری الفراشات
الله ما أروعها بحسنه أیدعها
رب السماوات

(به‌خوشه‌های انگور نگاه کن که همچون چلچراغی تابانند. نگاه کن به‌خوشه‌های طلایی گندم که پروانه‌ها را شیفته خود می‌سازند. خداوند چه نیکو و زیبا آن‌ها را آفریده است. او خدای آسمان‌هاست)

بیان زیبایی‌های طبیعت و یا نعمت‌های محسوسی که کودک از آن‌ها برخوردار است، او را به‌تفکر وامی‌دارد. چه، همگی نشانه‌هایی از وجود خالق جهانند. شاعر در قصیده دیگری به‌نام

"لک الحمد"، شناخت خداوند را از طریق برشمردن نعمت‌ها و پدیده‌های طبیعت با زبانی ساده برای کودکان میسر می‌سازد (۲۰۰۸، ۶۳):

لک الحمد یا من تسوق الغيوم
لتروى الحقول، وتسقى الكروم
خلقت الجبال... رفعت السماء
وزيتها بعقود النجوم

(ستایش زبینه توس، ای خدایی که ابرها را به حرکت در می‌آوری تا زمین‌ها را سیراب سازد و درختان انگور را آبیاری کند. تو کوه‌ها را آفریدی، آسمان‌ها را برافراشتی و با گردنبندی از ستارگان آن را آراستی.)

کیانوش نیز با به‌کارگیری روش‌های گوناگون، کودک را به‌خودشناسی، خداشناسی و تفکر در عالم هستی وامی‌دارد. نعمت وجود پدر و مادر یکی از مهمترین بنمایه‌هایی است که شاعر برای شناساندن خدا به کودک از آن بهره می‌برد. چه، نوباوگان در سال‌های اولیه زندگی خود به‌شدت وابسته و علاقه‌مند به‌والدین خویشند. بدین ترتیب شاعر با استفاده از این نعمت ملموس، عطوفت، مهرورزی و دیگر صفات خداوند را با مهربانی و شفقت پدر و مادر مقایسه و به کودک تفهیم می‌کند. شاعر در سروده‌های متعددی چون "خدای خوب"، "چکاوک سحر"، "گفتم پدر"، "مادر و خورشید" و... مضامین خداشناسی و خودشناسی را به‌کار برده است. وی در شعر "گفتم پدر" از کتاب طاق هفت‌رنگ، با زبانی کودکانه خطاب به خورشید و آسمان می‌گوید (۱۳۷۴، ۶۰):

گفتم: بله. در سینه من مهر پدر صد آسمان است
در چشم من بالاتر از او
تنها خداوند جهان است.

شاعر در شعر "چکاوک سحر" مهر مادر را خدایی می‌داند (همان، ۴۸-۴۹):
او در این جهان تک است
با دلش، دل پر از محبت خدایش...

این کسی که من چنین می‌ستایمش، که هست؟
با چه کسی برابر است؟

او خداست بر زمین

مادر است، مادر است، مادر است، مادر است.

مضمون این اشعار یادآور آیه (وقضی ربک أأا تعبدوا إالا إیاه وبالوالدین إحسانا) (اسراء/ ۲۳) است که بی‌درنگ پس از پرستش خداوند، احترام و نیکی به پدر و مادر را یادآور می‌شود. کیانوش در سروده‌های متعدد دیگری چون "برگ درختان سبز"، "نشانه‌های خدا"، "از تندرستی چیست بهتر؟"، "دعا"، "خدایا تو خوبی"، با یادآوری جلوه‌های زیبای طبیعت، نعمت‌های پرشمار خالق هستی را بر می‌شمارد و با تبیین راز و رمز دعا و نیایش به‌درگاه آفرینش گیتی، زمینه‌های خدانشناسی نونهالان را فراهم می‌کند.

کیانوش در زمینه‌های خودشناسی کودک نیز، اشعار بسیاری دارد؛ نظیر "یک جهان هستیم"، "جهان شو"، "این جهان بیکران"، "شهر از خاک تا خورشید"، "گنج بی‌رنج" و غیره. شاعر در این قبیل سروده‌ها انسان را به‌منزله‌های جهانی می‌داند که توسط خداوند متعال آفریده شده و شناخت دنیای آن، نیازمند اندیشه و تفکر در این پدیده‌هاست. وی برای تحقق این هدف، خردسالان را به مطالعه و تدبیر تشویق می‌کند (۱۳۷۰، ۲۶):

نتوانی شناخت مردم را

تا که خود را نخست نشناسی

تا نخوانی کتاب‌های درست

خویشتن را درست نشناسی

شعر فوق، یادآور حدیث معروف «من عرف نفسه فقد عرف ربه» است که خودشناسی را مستلزم خدانشناسی می‌داند؛ با این تفاوت که شاعر به‌جای واژه‌ی خدا، لفظ مردم را به‌کار برده است (محرمی و دیگران، ۱۳۹۶، ۶۲). همچنین شاعر در سروده "خود این جهان بیکران" در باب خودشناسی و خدانشناسی می‌گوید (۱۳۷۰، ۱۲۷):

به خود، به‌جان خود که با دو چشم

به هر کجا نگاه می‌کند

به خود، به‌این جهان بیکران

که در خدا نگاه می‌کند

نگاه می‌کنم

۲- تعلیم آموزه‌های اخلاقی و صفات پسندیده

نویسندگان ادبیات کودکان با هدف اشاعه و آموزش مبانی اخلاقی در میان قشر خردسال جامعه از حیوانات سخنگو به‌عنوان قهرمان داستانها و سروده‌های خویش استفاده می‌کند و

به زبان آن‌ها گفتگوهای متمایل به ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، مهرورزی، خیرخواهی، عدالت‌محوری و غیره را به کودکان می‌آموزند. «مضامین مرتبط با حیوانات از دیرباز بیشترین کاربرد را در اشعار و قصه‌های کودکانه داشته و کتاب کلیده و دمنه در عصر عباسی بر این مبنا نوشته شده است. امروزه نویسندگان معاصر در غرب و شرق جهان برای مصون ماندن از پیامدهای منفی سیاسی، زبان حیوانات را بهترین راهکار برای طرح مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه می‌دانند» (ملاابراهیمی و فلاح، ۱۳۹۷، ۱۰۱).

محمود کیانوش و صالح هواری با توصیف ویژگی‌های مثبت یا منفی حیوانات، نونهالان را با این صفات پسندیده یا مذموم آشنا می‌کنند. چه، «توصیف را می‌توان لازمه هر آفرینش ادبی دانست و هر اثر ادبی مملو است از توصف صحنه‌ها، اشیا، افراد، مکانها، صفات، و غیره» (نوری و صهبا، ۱۳۹۹، ۱۲۱). هر دو شاعر با کاربرد صنعت تشخیص، کودک را مخاطب همان حیوان قرار می‌دهند تا روند انتقال پیام تعلیمی تاثیرگذارتر باشد و قوه تخیل کودک را به چالش وادارد. افزون بر این نوعی حرکت و حیات نیز به شعر می‌بخشد.

کیانوش در مجموعه‌های شعری "بچه‌های جهان"، "طوطی سبز هندی"، "طاق هفت رنگ" و "باغ ستاره‌ها"، اشعاری از زبان حیوانات یا مظاهر گوناگون طبیعت سروده است؛ همچون اسب چوبی، زنبور کوچک، گریه، ماهی، گرگ، سگ گله، کبوتر، ستاره، پروانه، قناری، خروس، طوطی سبز هندی، مرغ تنبل، بره سفید و... همانطور که صالح هواری نیز در دیوان‌های "هدیل الحمام"، "سله الأغانی" و... سروده‌هایی از زبان خروس، قناری، طوطی، اسب، گوسفند، دارکوب، مرغابی، آفتاب‌پرست، کانگورو، گنجشک و... دارد.

صالح هواری در شعر "الدیک والکنار" با کاربرد آرایه جان‌بخشی، ویژگی منفی خروس همچون غرور و تکبر را برمی‌شمارد. پیامدهای منفی این اوصاف مذموم را برای کودک بیان می‌کند (هواری، ۲۰۰۸، ۳۹-۴۰):

ذات یوم یا صغار	غار دیک من کنار
ذاک یعلو ویطیر	وهو فی الخم أسیر
نفس الریش وقال	أدن منی وتعال
وتقدم کی تری	کیف أعلو للذرا
نط کی یعلو الجدار	بیجناح مستعار
الکنار الحلو کان	واقفا بین الثمار
حینما الدیک قفز	وتلقاه التراب

قال: آخ ونقرز ووراء الخم غاب
واحتمی خلف السیاج دون أن یبیدی احتجاج
ومضی یمشی خجولا بین ضحکات الدجاج
ضحک الطائر منه وعلی أغصان رفرر
قال یا دیک توقف عن غرور لیس یوصف
لن یکون الیوم مثلی کل مغرور مزیف

(ای بچه‌ها! روزی خروسی نسبت به قناری کوچکی حسادت ورزید. چه، او بالا می‌پرید و پرواز می‌کرد و این در قفس اسیر بود. قناری پر زد، بال گشود و گفت: به‌من نزدیک شو و با من بیا. جلو بیا تا ببینی چگونه تا قله‌ها بالا می‌روم. پرید تا با بالی گشوده بر بالای دیوار برود. قناری زیبا در میان میوه‌ها ایستاده بود. وقتی خروس پرید، بر روی زمین افتاد و گفت: آخ! بالا و پایین پرید و پشت دیوار پرچین بدون هیچ شکایتی پنهان گشت. خروس خجالت‌زده در میان خنده‌های تمسخرآمیز مرغان راه می‌رفت. پرنده روی شاخه‌های لرزان بال‌هایش را تکان داد، به‌او خندید و گفت: ای خروس! دست بردار از این غرور توصیف نشدنی. تا امروز هیچ متکبر دروغگویی اینگونه در برابرم خوار نشده است.)

هواری در این شعر با زبانی ساده و کودکانه از خروس می‌خواهد تا از صفت ناشایست غرور و تکبر دست بردارد و عاقبت ناگوار خروس متکبر را در این شعر داستانی به‌کودک نشان می‌دهد.

محمود کیانوش نیز در سروده "فوقولی قو، شبت چگونه گذشت؟" در کتاب "بچه‌های جهان" و نیز شعر "خروس" در کتاب "طوطی سبز هندی"، ویژگی خروس را برای کودک توصیف می‌کند. اما بر خلاف صالح هواری که صفات منفی خروس را برشمرده، قهرمان وی در این اشعار دارای صفاتی پسندیده از جمله سحرخیزی و خبر دادن از طلوع صبحی روشن، بی‌هیچ یأس و ناامیدی است. شاعر در این باره می‌گوید (کیانوش، ۱۳۶۹، ۳۲):

خروس نازنینم
با بال‌های رنگین
با تاج ارغوانی
پیش از طلوع خورشید
سر می‌دهد به‌شادی، آواز آسمانی
هر صبح می‌کند باز

چشمان کوچکش را
امیدوار و خوشحال
با شوق روشنایی، از لانه می‌گریزد
در خانه می‌زند بال
می‌گوید: آی آدم‌ها
قوقولی قو، روز آمد
چشمان خود بگشایید
در آسمان روشن خورشید را ببینید.

کیانوش در این سروده نه تنها به خروس جان بخشیده، بلکه با استفاده از شیوه تک‌گویی و حدیث نفس، خروس را واداشته تا از زبان خود با کودک سخن بگوید؛ افکار و احساساتش را به زبان آورد تا مخاطب از نیات و مقاصد او باخبر گردد. کاربرست شیوه تک‌گویی در کنار به‌کارگیری اسلوب نداء با آوردن جمله "آی آدم‌ها"، «بر شدت تأثیرپذیری کلام می‌افزاید و اشتیاق کودک را برای خواندن شعر و درک پیام گوینده بیشتر می‌کند» (ابو الجود، ۲۰۱۹، ۱۹۸). گذشته از این در برانگیختن حس همدردی و همراهی مخاطب نیز تأثیر بسزایی دارد. شاعر در سروده دیگری نیز به خروس جان می‌بخشد و از زبان او سخن می‌گوید تا مفاهیم امید و استقامت را به کودک القا کند (کیانوش، ۱۳۷۰، ۴۵):

قوقولی قو، شب سیاه گذشت
قوقولی قو، رسید روز سپید
قوقولی قو، پرید سایه یأس
قوقولی قو، دمید صبح امید

کیانوش در اینجا با کاربرد صنعت تشخیص از سحرخیزی، شادی و امیدواری خروس سخن به میان می‌آورد تا کودک را به داشتن این صفات پسندیده ترغیب کند و او را برای زندگی نیکو آماده سازد. موسیقی حاصل از تکرار واژه «قوقولی قو» افزون بر اینکه کودک را به وجد در می‌آورد، سبب تاکید و تثبیت معنا در ذهن او می‌شود و مقصود شاعر را سریع‌تر به ذهن مخاطب منتقل می‌کند. در این ابیات عبارت "قوقولی قو" چهار بار تکرار شده است. واج آرایبی و بسامد این کلمه، در کنار جان‌بخشی به خروس، هماوایی واژگان "پرید/ دمید/ رسید/ سپید" در قالب جناس و سجع، قرار گرفتن واژه‌هایی چون "روز، شب، صبح" در یک محور هم‌نشینی، برقراری تضاد و طباق میان "روز/ شب، سیاه/ سپید، یأس/ امید" از انواع صنایع بدیعی موجود

در این سروده است که به شعر زیبایی خاصی می‌بخشد و کودک را برای آغاز روزی نو، آکنده از نشاط و سرزندگی آماده می‌سازد.

صالح هواری در شعر "الطائر البغاء" با توجه به ویژگی تقلید کورکورانه صدا توسط طوطی، بدون درک معنا و مفهوم سخن، این ویژگی منفی را با بهره‌گیری از صنعت جان‌بخشی، از زبان طوطی برای کودک ترسیم می‌کند تا او را از درس خواندن و مطالعه، بدون تفکر و تدبر و نیز گفتار نسنجیده بر حذر دارد (هواری، ۲۰۰۸، ۵۵):

یا تلمیذ الصف الشاطر فکر وافهم حین تذاکر
مفتاح الحل إذا صعبا حاول وأسأل عنه الکتبا
کل سؤال وله حل کل طریق وله آخر
لا.. لا تک مثلی ببغاء اسمع واردد ما أسمع
احکی... لکنی لا أفهم فلماذا أنا لا أفهم

(ای دانش آموز زیرک و باهوش کلاس، هنگام یادآوری فکر کن و بفهم. اگر دست یافتن به کلید حل سؤال دشوار شد، بکوش و جواب آن را در کتابها جستجو کن. هر سؤالی، راه حلی و هر مسیری، پایانی دارد. نه.. نه! هرگز مثل من طوطی نباش که هر چه را می‌شنوم، تکرار می‌کنم. تقلید می‌کنم... اما چیزی از آن نمی‌فهمم. راستی چرا من نمی‌فهمم؟)

محمود کیانوش نیز در شعر "طوطی سبز هندی" با در نظر گرفتن خصلت بارز طوطی یعنی تقلید صدا و به‌زبان آوردن کلماتی نامفهوم، از ویژگی‌های مثبت طوطی نیز سخن می‌گوید که شیرین‌زبانی، باسوادی، دانایی و شاگردی کردن در کنار استاد از آن جمله است (۱۳۹۶، ۸-۹):

طوطی سبز هندی از جنگل‌ها می‌آیی
با قصه‌های شیرین به شهر ما می‌آیی
حتما با این سوادت صدتا استاد گرفتی
وگر نه قصه‌ها را از کجا یاد گرفتی!

در این شعر کیانوش همچون هواری به طوطی جان‌بخشیده، با این تفاوت که طوطی در شعر او بر خلاف شعر هواری، دارای ویژگی‌های مثبت است تا کودک به داشتن آن‌ها ترغیب شود. گذشته از این «ترکیب طوطی سبز هندوستان به صورت غیر مستقیم، اشاره به داستان معروف مثنوی معنوی دارد. این قصه‌ها اغلب توسط پدربزرگ و مادر بزرگ برای کودکان بیان می‌شود که در شعر کیانوش به آن اشاره شده است» (محرمی و دیگران، ۱۳۹۶، ۶۱).

کیانوش و هواری در سروده‌های خود افزون بر جان‌بخشی، از آرایه استعاره و تشبیه‌های حسی نیز برای بیان مقاصد خود بهره برده‌اند تا معنی را به‌ذهن کودک نزدیک‌تر سازند. برای نمونه صالح هواری در شعر "السفینة الصحراء" کشتی صحراء را استعاره از شتر آورده و به‌توصیف ویژگی‌های بارز شتر به‌ویژه صبر و بردباری آن در طی مسیر سخت و طاقت‌فرسای بیابان پرداخته است (۲۰۰۸، ۸):

عیناه نجمتان فی حالک الظلام
وصمته الصابر یحکی بلا کلام

(چشمانش در دل سیاهی و تاریکی مانند دو ستاره‌اند. با سکوت و صبر خود بدون کلام، سخن می‌گوید.)

کیانوش نیز در سروده گل شناس کوچک، عنوان شعر را استعاره برای زنبور قرار داده و در ادامه کودک را با فرایند زندگی غریزی زنبور مثل مکیدن شهد گل و تهیه عسل آشنا ساخته است. وی با استفاده از آرایه‌های استعاره و جان‌بخشی کودک را به‌دنیای خیال‌انگیزی می‌برد و در حین توصیف زندگی غریزی زنبور عسل، کودک را به‌طور غیر مستقیم به‌فراگیری خصلتهای مثبتی چون کار و تلاش مداوم سوق می‌دهد (۱۳۷۰، ۶۹):

ای گل شناس کوچک
پیش تو یک جهان گل
بنشین و نوش بردار
از این گل و از آن گل
سرگرم کار خود باش
از بامداد تا شب
شان‌های تازه‌ات را
از شهد کن لبالب

هواری نیز برای یکسری از حیوانات صفات نیک و پسندیده در نظر می‌گیرد تا آنها را به‌مخاطب خود القا کند. شاعر در هنگام توصیف حیوانات اغلب به پیوندشان با زندگی آدمها می‌پردازد. وی در شعر "الکنغر"، ویژگی مثبت کانگورو یعنی مهربانی و محبت در همکنشی با دوستان خود را بر می‌شمارد (۲۰۰۸، ۴۳):

الکنغر.. الکنغر یا أولاد حیوان بری ولاد
معروف فی دنیا الغابۀ بالحب یعامل أصحابه

(ای بچه‌ها! کانگورو.. کانگورو! حیوان خشکی و پستانداری است. در میان حیوانات جنگل به‌مهربانی با دوستان خود شهرت دارد.)

شاعر حیوانات را به تنهایی و در طبیعت در نظر نمی‌گیرد، بلکه همواره با توجه به نحوه حضور و تأثیرشان در زندگی انسانها توصیف می‌کند. وی برای «تأثیربخشی بیشتر از زبان خود حیوانات درباره نحوه زندگی آنها صحبت می‌کند؛ در واقع حیوانات خودشان نقششان را در زندگی انسانها بیان می‌کنند» (ابراهیمی و سلاجقه، ۱۳۹۶، ۳۲۹). هواری در قصیده "النقار الخشب"، دارکوب را پرنده‌ای با ویژگی‌های سازندگی، تلاشگری و پشتکار توصیف می‌کند تا به‌طور غیر مستقیم این مفاهیم پسندیده اخلاقی را در روح و جان مخاطب خود نهادینه سازد (۲۰۰۸، ۷۰):

أترک حینا بیتی و إلی رزقی أسعی
فتجی علی غفلتاً وتداهمه الأفعی
لکنی بشعوری أعر ف ما تنویه
فأعود علی عجل لأمزقها فیه

(گاهی برای به‌دست آوردن رزق و روزی خانه‌ام را ترک می‌کنم. ناگهان افعی غافلانه وارد آن می‌شود. اما من خوب می‌دانم که چه قصد سویی دارد. پس شتابان باز می‌گردم تا در خانه‌ام او را تکه تکه کنم.)

۳- تعلیم وطن‌دوستی و مفاهیم هویتی

واژه وطن به‌معنای کلی و عام کلمه به‌منزل و محل اقامت انسان اطلاق می‌گردد؛ چه در آنجا زاده شده باشد یا پرورش یافته باشد. اما در معنای خاص، عبارت از محیطی معنوی است که عواطف ملی و قومی انسان‌ها بدان گرایش عمیق دارد. به‌نظر می‌رسد که تصویر وطن با شکل‌گیری جغرافیای سیاسی کشورها وارد عرصه جدیدی شده و از بارهای معنای مختلفی برخوردار شده است. در واقع وطن مبدأ و مبنایی است برای بیان عشق و تعلق خاطر انسان‌ها به آن و آمادگی برای حفظ منافع آن (ملاابراهیمی، ۱۳۹۶، ۶۰).

وطن‌دوستی از دیدگاه شاعران معاصر یکی از مهمترین مبانی استعمارستیزی است و مؤلفه‌هایی مانند غیرت ملی، استقلال طلبی، سرافرازی، آزادی از سلطه بیگانگان و علاقه‌مندی به پیشرفت و آبادانی، از آن سرچشمه می‌گیرد. در باور این شاعران وطن و طبیعت جذاب آن، تنها محدود به منطقه خاص جغرافیایی نیست، بلکه موجودی است، زنده، پویا و دلنواز که روح و جان دارد.

صالح هواری برای نشان دادن عشق به وطن و کاشتن بذر محبت آن در قلب کودکان و نوجوانان فلسطینی، از مضامینی چون اشتیاق به وطن، شهادت، مقاومت، ظلم‌ستیزی، مبارزه با استبداد و بیان رنج و آوارگی مردم این سامان استفاده می‌کند. قصایدی چون "أحلی بلاد"، "الشمس اطلت"، "لآخر المشوار"، "لی بیت" و ده‌ها سروده دیگر همگی به این مفهوم اشاره دارد و روح وطن‌دوستی و مبارزه در راه آزادسازی آن را در ذهن کودکان سرزمین خود تحکیم می‌بخشد. نمونه زیر از قصیده "أحلی بلاد" در همین راستا سروده شده است (۲۰۰۸، ۳۷):

بلادنا أحلی بلاد بالروح تفدی والفؤاد

نحبها، وحبها کل نهار فی ازدیاد

بلادنا أحلی بلاد

(سرزمین ما زیباترین کشورهاست. جان و قلب ما فدای آن باد. دوستش داریم. هر روز عشق به وطن در جان ما فزونی می‌یابد. کشور ما زیباترین کشورهاست.)

محمود کیانوش نیز در اشعار خود با توصیف ویژگی‌های شهرهای زیبای ایران به لحاظ تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی، عشق به وطن را در قلب کودکان و نوجوانان ایرانی جاودانه می‌سازد، تا آن‌ها را انسان‌هایی متعهد در قبال میهن بار بیاورد. وی در اشعار "نصف جهان"، "اهواز نو" و "گلاب قمصر" به مقوله وطن‌دوستی اشاره دارد. کیانوش در شعر "نصف جهان" از فرهنگ و هنر مردم این شهر، مثل؛ نقاشی، کنده‌کاری، معماری، پیشه‌وری و نیز جاذبه‌های زیبای تاریخی آن چون پل زاینده‌رود برای کودکان سخن می‌گوید تا بر گستره حس میهن‌دوستی آن‌ها بیافزاید (۱۳۷۰، ۱۶۴):

زنده آن زاینده رودش باد

از وجودش اصفهان زنده ست

وی در شعر "گلاب قمصر" نیز سرسبزی و خرمی شهر قمصر و عطر دل‌انگیز گلاب معروف آن را در ذهن کودک، نهادینه می‌سازد (۱۳۴۷، ۳۹):

من از گلاب و عطرش؛ گیرم سراغ کاشان

زیرا که هست قمصر؛ چشم و چراغ کاشان

پر واضح است که هر دو شاعر ایرانی و فلسطینی به وطن و کیان ملی خود اهتمامی شگرف ورزیده‌اند. بدین سبب مقوله وطن‌سرایی و ابراز عشق و دلدادگی در قبال میهن همواره اصلی‌ترین مضامین شعری آن دو بوده است. هر دو شاعر با به‌کارگیری طبیعت جذاب وطن و

مؤلفه‌های جغرافیای آن مانند خشکی، دریا، زمین، گل، گیاه، پرنده و... در پی آنند تا به‌میهن خود جلوهٔ تقدس بخشند و نام آن را جاودانه سازند.

۴- تعلیم آداب و رسوم اجتماعی

با توجه به‌ماهیت تعلیمی ادبیات کودکان و نوجوانان، جنبهٔ ارشادی، آموزشی و اندرزگونهٔ این نوع ادبی بسیار پررنگ است و شاعر یا نویسنده می‌کوشد تا مبانی اجتماعی را به‌مخاطبان نوآموز و کم‌تجربه آموزش دهد. چه، شناخت آداب و رسوم اجتماعی در جامعه به‌هنگام هم‌کنشی با دیگران، برای نوباوگان امری ضروری است که کودک باید به‌تدریج آن را بیاموزد. در واقع «مضامین شعر کودک اگر سنجیده انتخاب شود، پرورندهٔ روح اوست و نگاه‌دارندهٔ او در مسیر سلامت که طبیعت به‌او ارزانی داشته است» (کیانوش، ۱۳۷۹، ۱۰۳). زیرا در بطن جامعه است که کودک می‌تواند به‌یاری تجربه‌یافتگان، رفته رفته میان حواس و ذهن خود رابطهٔ انسانی یا انتزاعی برقرار کند (همان، ۶). از این رو اشعار هر دو شاعر آکنده از مضامین اجتماعی است؛ از قبیل مهربانی، نوع‌دوستی، کمک به‌دیگران به‌ویژه به‌فقرا و ناتوانان، خوش‌روی، دوری از خشونت و ستیزه‌جویی، احسان و همدلی، عطا و بخشش، احترام به‌بزرگترها به‌ویژه والدین و آموزگاران، رعایت سنت‌های اجتماعی و آداب و رسوم کهن ملی همچون اعیاد باستانی و یا اسلامی.

صالح هواری در شعر "لن العب" به‌بهترین شکل، مفهوم نوع‌دوستی، بخشش و محبت به‌دیگران در روابط اجتماعی را برای کودکان به‌تصویر می‌کشد. شاعر در این شعر تصویر کودکی را ترسیم می‌کند که دوستش توپی برای بازی کردن ندارد و به‌این دلیل ناراحت شده است. از این رو کودک با بخشیدن توپ خود به‌هم‌بازی‌اش و ابراز محبت نسبت به‌او، می‌تواند شادمانی خود را با دوستش تقسیم کند (۲۰۱۱، ۴۹):

لن ألعب یا أبتی أبدا مادام رفیقی لم یلعب
هو لا یملک کرهٔ مثلی وأنا لا أملك نصف الملعب
سأشاركه کرهٔ السلهٔ وسأعطیه حبی کله

(ای پدر! هرگز بازی نخواهم کرد تا زمانی‌که دوستم بازی نکند. او مثل من توپی ندارد و من نیز نیمی از زمین بازی را ندارم. توپ بسکت‌بالم را به‌او خواهم بخشید و همهٔ محبتم را نثار او خواهم کرد.)

کیانوش نیز در اشعار "من، تو و ما" و "دوستی" این مضمون را به کودک منتقل می‌کند و از زبان کودکی خطاب به دوست خود می‌گوید (۱۳۷۰، ۲۰۵):

نه شور بازی کردنی

نه میل چیزی خواندنی

نه شوق جایی رفتنی

نه تاب جایی ماندنی

اما بنام دوست را

با او بهشت است این جهان

زیبایی هر چیز از اوست

بی دوست، زشت است جهان!

از آنجا که یکی از شاخصه‌های ادبیات کودکان، انتقال مفاهیمی چون دوست داشتن و محبت و ورزیدن به هم‌نوع است، هر دو شاعر با سرودن اشعاری، کودک را با مفاهیم دوستی، محبت، بخشش، شادی و سرگرمی آشنا می‌سازند.

از دیگر مضامین مشترک اجتماعی، موضع خوش‌رفتاری با دیگران و پرهیز از خشونت و مشاجره است. هر دو شاعر با زبانی ساده و دلنشین، عاقبت نیک خوش‌اخلاقی و یا فرجام زشت بداخلاقی را به کودک نشان داده‌اند. برای نمونه صالح هواری درباره خشونت‌طلبی و پیامدهای ناگوار آن و نیز مهرورزی و نتایج خوشایند آن، در شعر داستانی "ساعة الغضب" به یک سنگ کوچک بی‌جان، جان می‌بخشد و به‌طور غیر مستقیم اما تاثیرگذار کودک را از عواقب مشاجره و درگیری برحذر می‌دارد (۲۰۱۱، ۲۸-۲۹):

ذات نهار وهما

فی الحی یلعبان بالکره

تشاجران بلاسبب

أمسک

أكرم الصغیر بالحجر

هوی به‌علی عمر

بسرعه و ما انتظر

قال الحجر: أعمی أنا... ولا أری

فقد أصیب عینه

فیفقد البصر
وقد أفج رأسه
فیکبر الخطر
أضاء وجه أكرم الصغیر بالخطجل
ومن صدیقه اقتررب
وفی أدب
منه اعتذر دنا وباسه

وقال فی ندم: علیک لعنة الإله یا ساعة الغضب

(یک روز آن دو با توپ در کوچه بازی می‌کردند و بدون دلیل با هم به مشاجره پرداختند. اکرم کوچولو، سنگی را برداشت به سوی عمر پرتاب کرد. سنگ بی‌درنگ گفت: نابینا شدم. درست جایی را نمی‌بینم. سنگ به چشمش خورد، بینایی‌اش از بین رفت. سنگ به سرش خورد، سرش را شکافت و خطر بزرگی پدید آمد. شرمساری در چهره اکرم کوچولو آشکار شد، پیش دوستش رفت و مودبانه معذرت خواست. نزدیک شد، او را بوسید و با ندامت گفت: نفرین خدا بر تو ای لحظه خشم.)

محمود کیانوش نیز در سروده‌هایی چون "اخم نکن"، "خوش‌خویی"، "گل بگو و گل بشنو" و... با زبانی ساده و صمیمی کودک را به لبخند و خوش اخلاقی فرا می‌خواند. برای نمونه وی در شعر "خوش‌خویی" با بهره‌گیری از انواع آرایه‌های ادبی مثل تشبیه، تشخیص، تضاد و تکرار، به گونه‌ای که برای نوباوگان لذت‌بخش، سرگرم‌کننده و تاثیرگذار باشد مفاهیم خوش اخلاقی و مهرورزی را به کودک منتقل می‌کند و او را از بداخلاقی بر حذر می‌دارد (۱۳۷۰، ۴۰-۴۱):

بزن بر طبل خوش‌خویی
که زیبا عالمی دارد
جهان پر غم ولی خوش‌خو
جهان بی غمی دارد
تاتام، تاتام، تاتام، تاتام، تاتام
بزن بر طبل خوش‌خویی
که دلشادی و خوشبختی دارد

برای آدم بدخو، زمین رنج و زمان سختی است

تاتام، تام تام، تاتام، تام تام

بزن بر طبل خوش خویی

بخند و خوش‌زبانی کن

چو مهر مردم خواه، به مردم مهربانی کن.

تاتام، تام تام، تاتام، تام تام

کیانوش در این سروده و دیگر اشعار خود بسیار از کارکرد عنصر تکرار، موسیقی و واج‌آرایی بهره برده است تا بر شدت تاثیرگذاری کلام خود بیافزاید. وی در اینجا با تکرار عبارت "تاتام، تام تام، تاتام، تام تام" و نیز جمله "بزن بر طبل خوش‌خویی"، نغمه دلنشینی به شعر می‌بخشد و فضای هیجان‌انگیز و مفرحی را برای خردسال فراهم می‌آورد. در عین حال توجه کودک را به مضمون خوش‌خلقی و مهربانی جلب می‌کند و او را از بد اخلاقی و خشم بر حذر می‌دارد. نکته متفاوت و بارزی که در اشعار اجتماعی محمود کیانوش وجود دارد، این است که شاعر افزون بر پند دادن به کودک، در احترام به بزرگترها و تشویق به اطاعت از آنها، در برخی از اشعارش از مخاطب خردسال خود فراتر می‌رود. چندانکه بزرگسالان به‌ویژه پدر و مادر را برای تربیت صحیح فرزند در اشعاری چون "فرزند ما را زنده خواهد داشت" و یا "آیین‌های کردار" مخاطب خود قرار می‌دهد و شیوه‌های درست تربیتی را به آنها می‌آموزد. کیانوش در شعر "آیین‌های کردار"، خطاب به بزرگترها اهمیت رفتار و کردارشان را در تربیت فرزند گوشزد می‌کند و کردار کودک را انعکاسی از رفتار بزرگسالان می‌داند (۱۳۷۰، ۱۸۷):

بهترین پند در خور فرزند

نیست چیزی مگر همان کردار

به عمل، زندگی ببخش به پند

دست از پند بی عمل بردار

کودکان با طبیعت ساده

همه آیین‌های کردارند

راست کردار باش و آزاده

تا قدم در پی تو بگذارند.

از دیگر مضامین مشترک اجتماعی در سروده‌های هواری و کیانوش، حفظ سنت‌ها و پایبندی به آداب و رسوم اجتماعی است که آنها را به کودک می‌آموزند تا در آینده در وجود کودکان نهادینه شود. هواری در سروده‌ای می‌گوید (۲۰۰۸، ۸):

مرحبا بالعيد مرحب

فيه نلهو ونلعب

(آفرین به‌عید! آفرین! در آن به‌بازی و سرگرمی می‌پردازیم.)

کیانوش نیز اشعاری درباره شادی و سرور ایام عید نوروز و تغییرات فصل بهار دارد. وی در شعر "عیدت مبارک" از کتاب طوطی سبز هندی و "حاجی فیروز" از کتاب باغ ستاره‌ها و شعر "نوروز بر همه خوش باد" از کتاب بچه‌های جهان به تبیین این مفاهیم پرداخته است که تنها به‌نمونه‌ای از آن بسنده می‌کنیم (۱۳۶۹، ۳۶):

کودک من بهار من

مایه افتخار من

عیدت مبارک

۵- تعلیم اهمیت محیط زیست و حفظ منابع طبیعی

درختان، گل‌ها و گیاهان از جمله پدیده‌های زیبای طبیعت‌اند که سرسبزی، شادابی، طراوت و از همه مهمتر پاکیزگی را برای انسان‌ها به‌ارمغان می‌آورند. کیانوش و هواری هر دو در اشعار خود به توصیف زیبایی‌های زیست‌محیطی و بیان ضرورت حفاظت از آن پرداخته‌اند. آن‌ها گاهی با جان‌بخشی به جلوه‌های طبیعی، از عواملی که منجر به تخریب محیط زیست می‌شود از جمله آلودگی هوا، ناپاکی زمین و قطع درختان و گیاهان شکایت کرده‌اند و فواید زندگی در محیطی سالم و تمیز را برای کودک برشمرده‌اند. درختان و گل‌ها، افزون بر ایجاد چشم‌اندازی باطراوت و شاداب، بشارت‌دهنده رسیدن فصل بهار و وجود محیطی پاکیزه دور از هر گونه آلودگی‌اند. توصیف طبیعت و پدیده‌های گوناگون طبیعی اعم از جاندار و بی‌جان چون حیوانات و پرندگان، فصل‌ها و ماه‌های سال، درختان و گل‌ها، شب و روز، خورشید و ستارگان، ابر و باران و... به‌طور گسترده‌ای در اشعار کودکانه محمود کیانوش و صالح هواری، نمود یافته و زیباترین بخش شعر آن‌ها را به‌خود اختصاص داده است. هر دو شاعر با بهره‌گیری از صنعت تشخیص به جلوه‌های بی‌جان طبیعت جان بخشیده‌اند و از زبان آن‌ها با کودک سخن گفته‌اند. چنانچه صالح هواری زیبایی دل‌انگیز محیط سبز، ضرورت کاشت نهال و حفاظت از آن را در قصیده "من حقنا" به‌کودک یادآور می‌شود و می‌گوید (۲۰۱۱، ۹):

هیا لنزرع السفوح فلا وأزهارا تفوح

حدیقۀ بلا غراس

كجئنه بغير ناس

أو جسد بغير روح

هيا لنزرع السفوح

(بشتابید تا در دامنه‌های دشت زراعت کنیم و گل‌ها را شکوفا سازیم. باغ بدون درخت، مثل بهشت بدون مردم یا مثل جسم بی روح است. بیایید تا در دامنه‌های دشت زراعت کنیم.)
شاعر در این سروده از اهمیت کاشت درختان برای حفظ محیط زیست و آبادانی شهرها سخن می‌گوید. وی در قصیده "عرائس الأشجار" از زبان درخت به کودکان گوشزد می‌کند تا در حفاظت از آن کوشا باشند. چه، رویدنی‌های طبیعت هم‌نشین پرندگانند و فواید بسیاری برای بقای انسان‌ها دارند (۲۰۱۱، ۶۶):

عرائس الأشجار تقول باستمرار

لا تقطعونی فتحرمونی

من صحبة الأطيّار

أنا التي ظلي يحنو على الجميع

والأرض من أجلى تستقبل الربيع

(درختان همچون عروسان زیبارو دائما می‌گویند، مرا قطع نکنید و از هم‌نشینی با پرندگان محروم نسازید. من همانم که سایه پر مهرم بر سر همگان گسترده است. زمین با وجود من می‌تواند به استقبال بهار برود.)

محمود کیانوش نیز در اشعاری مانند "فرزند آفتابیم" و یا "بیرق باشکوه زمین"، به توصیف زیبایی درختان و اهمیت سرسبزی و طراوت طبیعت می‌پردازد و می‌گوید (۱۳۷۰، ۱۵۲):

سبز تن سبز جان، سبز بختی

جان ما بی تو حرفی است در باد

چشمه جان مایی، درختی

بیرق باشکوه زمینی

سبز و شاداب در اهتزازی

راستی دلکش و زیبایی

هم دل‌انگیزی هم دل‌نوازی

در بهاران که دنیا بهشت است

قاصد سبز پوش بهشتی
در زمستان که بی بار و لختی
نه گدایی، نه یک ذره زشتی
فصل گرما که آمد دوباره
دست و دلباز و دامن گشایی
سفره بی دریغ خدایی

شاعر در این اشعار با بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی چون تشبیه، استعاره، تشخیص، نداء و نیز تنوع جمله‌ها و ترکیب‌های ساده، فواید اهمیت درختان و فرایند رشد آن‌ها در فصل‌های مختلف سال را برای کودک تبیین کرده و او را به تفکر واداشته است. از آنچه گذشت درمی‌یابیم که هر دو شاعر در توصیف جلوه‌های زیبای طبیعت و چشم‌نوازی محیط سرسبز، اشعار آموزنده‌ای را سروده‌اند تا فواید حفظ محیط زیست را برای کودک تشریح کنند. صالح هواری در راستای حفظ درختان و گل‌ها و توجه به پاکی محیط زندگی، قصاید متعددی چون "نرید بیئه نقیئه"، "نزرع الورد"، "من حقنا" و "عصفور وورده و غابه" را سروده است. برای مثال در قصیده "نرید بیئه نقیئه" می‌گوید (۲۰۰۸، ۲۵):

نحن براعم الوطن من حقنا أن نزهرا
لذا نرید بیئه نظیفه کی نکبرا

(ما شکوفه‌های این سرزمینیم؛ شکوفایی و بالندگی حق ماست. از این رو به محیطی پاکیزه نیاز داریم تا بزرگ شویم.)

وی در قصیده "عصفور وورده و غابه" از زبان گل سرخ، گنجشک و جنگلی که از آلودگی‌های صوتی، آلاینده‌های صنعتی، دوده‌ها و گرد و غبار هوا رنج می‌برند، زبان به شکایت می‌گشاید و ابراز ناخرسندی می‌کند (۲۰۱۱، ۶۷):

قال لی العصفور یوما کیف أشدو والدخان
سمه یلحق بی من مکان لمکان
قالت الوردۀ کیف أحضن الکون البهیج
وعطوری اختنقت تحت أصوات الضجیج

(روزی گنجشک به من گفت، چگونه آواز بخوانم، حال آنکه سم کشنده دوده‌ها همه جا با من است. گل سرخ گفت: چگونه دنیای زیبا را با خرسندی در آغوش بگیرم، در حالی که عطر خوش من در آلودگی‌های صوتی آزار دهنده خفه می‌شود.)

محمود کیانوش نیز در سروده "از جنگل شهر،" محیط زندگی شهری را به جنگلی پر درخت تشبیه می‌کند که از غبار و دوده آکنده است. منظور وی از جنگل همان آسمان‌خراش‌ها و آپارتمان‌های امروزی است که به‌طور بی‌رویه‌ای در شهرها ساخته می‌شود (۱۳۷۰، ۱۸۲):

شهر چیست؟ شهر جنگل است
جنگلی، درختان آن، خانه‌های سنگی، آجری
برکشیده سر به آسمان.
شهر چیست؟ شهر جنگل است.
جنگلی هوای خسته‌اش
لایه‌هایی از غبار و دود
مانده در فضای بسته‌اش...

از آنچه گذشت دیدیم که مقوله طبیعت‌ستایی با همه جلوه‌ها و مناظر سحرانگیزش پیوسته منبع الهام این دو شاعر بوده است. هر دو شاعر به‌هنگام توصیف طبیعت با بیان مشاهدات مادی و کاربرد برخی تشبیهات مثل "سبز تن"، "شهر جنگل" و "عرائس الأشجار"، "براعم الوطن"، مجال کافی را برای قوه خیال کودکان فراهم می‌آورند تا در ژرفنای طبیعت غور کند و یا در افق بیکران آن به پرواز درآید.

۶- تعلیم ارزش دانش‌اندوزی

اشعار کودکان افزون بر سرگرمی و بازی، باید دارای مفاهیم آموزنده و مفیدی نیز باشند. یکی از گونه‌های تعلیمی شعر کودکانه ترویج روح دانش‌اندوزی و تشویق به علم‌آموزی است. کودک از طریق شعر با بیانی ساده مفاهیم علمی را بهتر و سریعتر می‌آموزد. در نتیجه یادگیری برای او ملال‌آور و خسته‌کننده نخواهد بود. مدرسه یکی از شناخته‌شده‌ترین مکان‌ها برای آموزش و آموختن است. کودکان دست‌کم یک سوم عمر و وقت روزانه خود را در مدارس می‌گذرانند؛ از این رو، بخش مهمی از زندگی و تربیت آن‌ها وابسته به پیشامدها و شرایط زندگی در آن مکان‌هاست (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ۶۹). با بررسی سروده‌های دو شاعر درمی‌یابیم که آن دو به ترویج علم و دانش سخت اهتمام داشته‌اند و مسائل مختلف علمی از زندگی حیوانات گرفته تا آموزش حروف الفبا را به کودک آموخته‌اند. به‌عنوان مثال هواری در قصیده "البطء"،

به دنبال آموزش مفاهیم علمی به کودک است و ویژگی منحصر به فرد مرغابی را برای او تشریح می‌کند (۲۰۱۱، ۱۸):

فی الصف السادس درس علوم عن بط وسط الماء
ولأن الدهن يغطيه لا يعلق ماء فوق الريش

(در کلاس ششم، درس علوم درباره مرغابی است که وسط آب زندگی می‌کند. چون چربی پرهایش را پوشانده است، آب روی پرهایش باقی نمی‌ماند.)

محمود کیانوش نیز در اشعار متعددی چون "ا، ب، ج"، "آب"، "بگو: ای دانه برخیز"، "مهرگان"، "باغ الفبا"، "شلاق آتشین"، "قصه آب، ابر و دریا"، "آب از کجاست" و... به آموزش حروف الفبا و اعداد و مسائل علمی دیگری مانند گردش زمین، چگونگی پدید آمدن شب و روز، بارش باران، تشکیل ابرها و ... می‌پردازد و کودک را به رفتن به مدرسه، کتاب‌خوانی، تفکر و علم آموزشی تشویق می‌کند. شاعر این شگرد را باعث یادگیری بهتر و علاقمندی کودک به آموزش

می‌داند. به عنوان مثال چگونگی تشکیل ابر و باران را در شعر "آب از کجاست؟" اینگونه برای نونهالان توضیح می‌دهد (۱۳۶۹، ۶۳):

آب از کجاست؟ باران
باران کجاست؟ در ابر
ابر از کجاست؟ آنجا
آنجا کجاست؟ دریا

از نمونه‌های بررسی شده درباره اشعار آموزشی دو شاعر، درمی‌یابیم که آن‌ها کوشیده‌اند تا با توصیف‌های دلنشین و توجه به دل‌مشغولی‌های کودک در محیط دبستان که چندان سرگرم‌کننده نیست و قوانین خشکی دارد، مدرسه را به فضایی دوست‌داشتنی برای دانش‌آموز تبدیل کنند و بر علاقه و توجه کودک برای رفتن به کلاس و دانش‌آموختن در آنجا بیفزایند. در نتیجه این محیط آموزشی را از کارکرد کلیشه‌ای خود خارج ساخته و به مکانی شادی‌بخشی بدل کرده‌اند که آرزوهای کودک در آنجا تحقق می‌یابد.

۷- تعلیم اهمیت کار و تلاش

در جهان‌بینی کودک، سکوت و سکون تحمل‌ناپذیر و بی‌معناست. شعر کودک فقط برای پندآموزی و اندرزگویی نیست، بلکه موجبات بازی و شادی خردسالان را نیز فراهم می‌آورد و

باعث شکوفایی خلاقیت و رشد هیجانی آن‌ها می‌شود. با این همه در کنار بازی، پرداختن به کار و فعالیت امری ضروری به نظر می‌رسد تا حس مسئولیت‌پذیری را در نونهالان تقویت کند. یعنی لذت کار، بر لذت بازی مقدم است (کیانوش، ۱۳۷۹، ۱۰، ۱۹).

از این رو صالح هواری در قصیده "یا جدتی" داستان مورچه کوشا و جیرجیرک تنبل را برای کودک نقل می‌کند تا بدین وسیله او را به کار و تلاش وادارد (۲۰۰۸، ۳۲):

حکایه النملۃ فی البال لا تزال

لموسم الشتاء تخبی الغلال

وذلك الصرصور فی بینه کسلان

یطوف بین الدور ودائما جوعان

أما أنا یا جدتی دوما أوصل العمل

أعود من مدرستی تضىء لی شمس الأمل

(داستان مورچه همچنان در خاطره‌ها باقی است که برای زمستان خود دانه‌ها را پنهان می‌کند، اما آن جیرجیرک تنبل در خانه‌اش نشسته است. در خانه می‌چرخد و دائم گرسنه است. ولی من، مادر بزرگ، همیشه کار می‌کنم. از مدرسه باز می‌گردم در حالیکه خورشید آرزو برایم نورافشانی می‌کند.)

هواری در اشعار متعددی ضمن بزرگداشت ارزش کار و تلاش، به معرفی مشاغل و حرفه‌های مختلف که غالباً بومی هستند، اهتمام می‌ورزد. محمود کیانوش نیز در انبوه سروده‌های خود ضمن اشاره به نشاط و بازی کودکان، مفاهیم ارزنده کار و تلاش، شادی و امید را به آن‌ها القاء می‌کند، تا عشق به این مفاهیم از همان دوره طفولیت در سوادای قلب و روحشان جای گیرد (۱۳۷۰، ۳۴):

زندگی

پاه و راه

دست و کار

خنده و آه

بازی و نگاه

کار و شادی

غم و امید و خواب.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد دریافتیم که محمود کیانوش و صالح هواری هر دو از شعرای پیشگام در عرصه ادبیات کودکان به‌شمار می‌آیند که بخش اعظم سروده‌های خود را به‌خردسالان اختصاص داده‌اند. شاید بتوان آن‌ها را از نخستین شاعرانی دانست که در ترانه‌های خود اهمیت توجه به کودکان و ضرورت تربیت و پرورش شایسته آن‌ها را یادآوری کرده‌اند. چه، آن دو به‌خوبی نیازها و روحیات مخاطب خود را می‌شناسد. آنان در آثار خود فضایی کودک‌پسند را آفریده‌اند و با کاربرد واژگان کودکانه و گزینش مضامین مناسب، توجه فراوانی به‌میزان درک و مقتضای حال مخاطب خود داشته‌اند.

هر دو شاعر در سروده‌هایشان، ضمن بیان زیبایی‌های وطن، عشق به‌میهن و امید به‌آینده‌ای روشن را در ضمیر بچه‌ها پرورانده‌اند. گویا می‌خواهد مسئولیت پاسداری از کیان ملی سرزمین خود را به‌فرزندان نسل آینده بسپارند. از این رهگذر کوشیده‌اند تا مقوله عشق به‌وطن و تلاش برای سازندگی کشور را به‌درستی برای کودکان تبیین کنند. ترانه‌های کیانوش و هواری موضوعاتی چون حفظ ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی را در وجود نونهالان نهادینه می‌سازد و ضمن سرگرمی و لذت‌بخش بودن این سروده‌ها، خردسالان را با مفاهیم صلح، پایداری، آرامش و امنیت آشنا می‌کند.

افزون بر آن هر دو شاعر با به‌کارگیری زبانی آسان و گیرا، فهم و درک مضامین اجتماعی، فرهنگی و ملی را برای نوباوگان میسر می‌گرداند و ضمن ارضای نیازهای عاطفی کودکان، نیروی اعتماد به‌نفس آن‌ها را نیز تقویت می‌کند. ابیات آنان بسیار پر کشش است و مخاطب از خواندن و به‌خاطر سپردنش لذت می‌برد. افزون بر مفاهیم دینی، آشنا نمودن خردسالان با فرهنگ ملی و عامیانه، گسترش تعاملات اجتماعی، تاکید بر علم‌آموزی، تشویق به‌کار و تلاش، احترام به‌پدر و مادر از مهمترین درون‌مایه‌های اشعار تعلیمی این دو شاعر بوده است.

محمود کیانوش و صالح هواری افزون بر انتخاب کلمات ساده و متناسب با فهم کودک، ریتم و ضرباهنگ مناسب با سن او را برمی‌گزینند تا از ظرفیت اثربخشی موسیقی و نغمه کلمات و جملات به‌خوبی در القای معانی مورد نظر خود در ذهن اطفال استفاده کنند. همچنین از انواع صور خیال و آرایه‌های ادبی مانند تکرار، تشخیص، تناسب، تضاد، مراعات‌النظیر، تجسیع،

تجنیس، تشبیه، استعار، کنایه، ایهام و... در سروده‌های کودکان خود سود جستند، تا مفاهیم آموزشی و مبانی تعلیمی را آسان‌تر به کودک منتقل کنند.

هر دو شاعر با استفاده از کارکرد عنصر تکرار و آفرینش موسیقایی متن توانسته‌اند برخی تصاویر شعری خود را از نو بسازند و یا دلالت پویایی شعر را دو چندان کنند. از این رو پدیده تکرار در شعر کیانوش و هواری در همه سطوح ادبی آن از آوا، حرف، واژه گرفته تا شکل صرفی و ترکیب نحوی، یا حتی عبارت و مقطع شعری نیز قابل مشاهده است.

منابع:

- Abdul Majid, Mohammad. *A comparative study of children's poetry in Iran and Syria based on the works of Mahmoud Kianosh and Soleiman Issa*. Master Thesis, University of Tehran, 1390/2011.
- Anis, Ibrahim. *Musighi al-she'r/Music of Poetry*, Beirut, Dar al-Qalam, 1972.
- Anousheh, Hassan. *Encyclopedia of Persian Language and Literature*. 1^o Edition. Tehran, Samat Publications, 1376/1997.
- Atwat, Mohammad Abd Abdullah. *National patents in contemporary Palestinian poetry from 1918 to 1968*. Dar Al-Afaq Al-Jadeedah, Beirut: 1998.
- Ebrahimi Lame', Mehdi. "De-familiarization with the Elements of Fiction in Children's Literature". *Ketab-e Mah-e Kudak va Nojavan/Children's Book And teenagers*, no. 178, 1391/2012, pp. 68-74.
- Hakimi, Mahmoud and Mehdi Kamous. *Basics of Children and Adolescent Literature*. Tehran, Arun Publications, 1383/2004.
- Hawari, Saleh. *Al-sallatu Al-aghani*. Damascus, Ittihad Al-Kitab Al-Arab, 2011.
- _____. *Hadil Al-Hammam*. Damascus: Ittihad Al-Kitab Al-Arab, 2008.

Hejazi, Banafsheh. *Adabyat-e Kudakan va Nojavanan, Vijegiha va Janbeha/Children and Adolescents Literature Features and Aspects*. 9^e edition. Tehran, Roshangaran Publications and Women's Studies, 1385/2006.

Hussein, Mohammad Khedr. *Imagination in Arabic poetry*. Ennahda Library, Cairo, 1922.

Iman, Leyli & al. *Gozari dar adabiat-e kudakan/A Passage on Children's Literature*, Tehran, Shoray-e Ketab-e Kudak, 1^e Edition, 1352/1973.

Kianoosh, Mahmoud. *Children of the World*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications, 1991.

_____. (1374), *Haft Rang Arch*, 5^e edition, Touka Publishing, Tehran, 1374/1995.

_____. *Children's Poetry in Iran*. 3^e edition. Tehran, Nil Publishing, 1379/2000.

_____. *Indian Green Parrot*. Tehran, Yeganeh Publishing, 1369/1990.

Moharremi, Ramin et al. "The study of the themes of two collections of children's poetry by Mahmoud Kianoosh Yekrd Audience". *Quarterly Journal of Literary and Rhetorical Research*, vol. 5, no. 18, 1396/2017, pp. 54-70.

Mullaebrahimi, Ezzat and Manal Falah. *Palestinian Child Literature: A Study of its Forms and Styles*. UT Tehran, Tehran, 1397/2018.

Mullaebrahimi, Ezzat. *Contemporary Palestinian Poetry*. Tehran, University of Tehran Press, 1396/2017.

Salum, Tawfiq. *Al-Mo'jam ol-Falsafi al-Mokhtasar*, Moscow, Dar al-Taghadom, 1986.

Shafiee Kadkani. *Poetry Music*. 5^e edition. Tehran, Agah Publications, 1376/1997.

Zamakhshari, Muhammad ibn Umar. *Asasol Balagha/The Basis of Maturity*, edited by Abdul Rahim Mahmoud. Dar al-Jail, Beirut, 1979.

